بسم الله الرحمن الرحیم درس خارج فقه استاد سید محمد جواد شبیری 7 بهمن 1394.

 07/ 11/ 94 بررسی محمد بن مروان

بحثی که در دو جلسه قبل گذشت راجع به روایت شماره 45024 جامع احادیث الشیعه بود. سند روایت چنین است: عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِیَادٍ عَنْ عَلِیِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عن خلف بن حماد عن موسی بن بکر عن محمد بن مسلم(محمد بن مروان) عن ابی جعفر(ع).

در بعضی نسخه های این روایت به جای محمد بن مسلم، محمد بن مروان آمده است و لذا باید بحث کنیم که کدام نسخه صحیح است و در صورت عدم ترجیح یک نسخه لاجرم باید بحث محمد بن مروان بررسی شود. بنابراین بحث در دو مرحله است یکی تشخیص نسخه صحیح و بعد از آن بررسی محمد بن مروان در صورت عدم ترجیح.

**مرحله اول:** به نظر می رسد که از بعضی جهات نسخه محمد بن مسلم ترجیح دارد و از بعضی جهات نسخه محمد بن مروان. از یک جهت اکثر نسخ کافی محمد بن مسلم است. ولی از طرف دیگر در تهذیب محمد بن مروان هست. علاوه بر آنکه محمد بن مروان نسبت به محمد بن مسلم از شهرت کمتری برخوردار است. و معمولا روند تحریفات، تبدیل غیر مشهور به مشهور است. و این روند اقتضا می کند که محمد بن مروان را که از شهرت کمتری برخوردار است را اصیل بدانیم. لذا مجموعا ترجیح قابل توجهی به دست نیامده، تشخیص نسخه صحیح مشکل است.

**مرحله دوم**: بنابراین باید بحث محمد بن مروان مورد بررسی قرار گیرد. (البته قبل از شروع بحث باید گفت که به دلیل عدم وجود قرائن خیلی روشن، این بحث از بحث های سنگین رجالی است).

در اسناد، روایت محمد بن مروان از امام باقر و امام صادق به چهار شکل وارد شده است. محمد بن مروان از این دو امام(ع) هم به صورت مستقیم و هم به صورت غیر مستقیم نقل می کند. البته محمد بن مروان هایی که در طبقه متأخر است از محور بحث ما خارج هستند.

محمد بن مروان در کتب رجال

در اینجا فهرستی از محمد بن مروان های موجود در کتب رجال را ذکر می کنیم تا مورد بحث و بررسی قرار دهیم.

 رجال شیخ: باب اصحاب الباقر علیه السلام دو محمد بن مروان ذکر شده است: محمد بن مروان کلبی[[1]](#footnote-1) و محمد بن مروان بصری[[2]](#footnote-2). و در اصحاب الصادق سه محمد بن مروان ذکر شده است: محمد بن مروان بن

عثمان مدنی[[3]](#footnote-3)، محمد بن مروان بصری[[4]](#footnote-4) که حدث عنه اسید بن زید. و محمد بن مروان ذهلی بصری[[5]](#footnote-5) که اصله کوفی.

در فهرست شیخ دو محمد بن مروان ذکر شده است: محمد بن مروان ذهلی[[6]](#footnote-6) و محمد بن مروان[[7]](#footnote-7) بدون ذکر مشخصه.

در رجال کشی هم یک محمد بن مروان بصری ذکر شده است که در ذیل آن می گوید این محمد بن مروان، محمد بن مروان سدّی نیست.[[8]](#footnote-8)

در باب فی امامة ابی جعفر الباقر(ع) ازمناقب ابن شهرآشوب محمد بن مروان کوفی من ولد ابی الاسود ذکر شده است[[9]](#footnote-9).

و یک محمد بن مروان بصری عقیلی معروف به عجلی هم در کتب عامه ترجمه شده است[[10]](#footnote-10) که در میان عامه معروف است. ولی ارتباطی با اسناد و روات شیعه ندارد. لذا این راوی از بحث ما خارج است. (البته گاهی اوقات در بعض کتب صدوق مثل فضائل الاشهر الثلاثة، دلائل الامامه و ارشاد که اسناد عامه در آن ها وجود دارد، این راوی ذکر شده است).

 همچنین در رجال برقی عناوینی وجود دارد، که در بحث از آن ها استفاده می شود.

بررسی عناوین مذکور در کتب رجال

در بررسی این عناوین چند نکته از جهت روشی بسیار اهمیت دارد. **نکته اول:** اینکه عناوینی که شیخ در رجال و فهرست ذکر کرده است، از چه مصدری اخذ کرده است؟ و در رابطه با منابع شیخ در رجال و ارتباط آن با رجال برقی مقاله مفصلی به رشته تحریر در آورده ام که در مجموعه مقالات سومین کنگره جهانی امام رضا علیه السلام جلد دوم چاپ شده است.

**نکته دوم:** اینکه کدامیک از این عناوین با یکدیگر اتحاد دارند. بحث وحدت و تعدد این عناوین. **نکته سوم:** با توجه به این مطلب که محمد بن مروان موجود در اسناد در موارد بسیار نادری(سه چهار مورد) با مشخصه و وصف وارد شده است. مراد از محمد بن مروان مطلق در اسناد کدام یک از عناوین فوق است.

ارتباط رجال شیخ و رجال برقی

 اما دو محمد بن مروانی (کلبی و بصری) که در اصحاب الباقر(ع)، از رجال شیخ ذکر شده اند. در بررسی این دو عنوان باید به یک نکته کلی در اصحاب الباقر رجال شیخ اشاره کرد و آن نکته اینکه یکی از منابع اصلی

شیخ در اصحاب الباقر(ع)، رجال برقی است. و این مطلب از مقایسه ترتیب رجال شیخ با ترتیب رجال برقی به دست می آید. البته مرحوم شیخ برخی عناوین را از کتب دیگر هم اضافه کرده است. ذکر این نکته برای مقایسه این دو کتاب لازم است که رجال برقی بر خلاف رجال شیخ ترتیب الف بایی ندارد. و در باب میم که مورد بحث ماست مرحوم شیخ طوسی مراجعه به اصحاب الباقر رجال برقی کرده است و عناوینی که اول آن میم داشته است را به ترتیب انتخاب کرده است. و در باب میم آورده است. و این ترتیب تا عنوان موسی بن زیاد با تغییر اندکی وجود دارد به نحوی که معلوم است که از رجال برقی اخذ شده است. و از عنوان موسی بن زیاد به بعد از منابع دیگر اخذ شده است. بعد از ذکر این نکته مهم در روش شیخ در رجال باید گفت که محمد بن مروان کلبی در قسمت اول باب میم یعنی قبل از موسی بن زیاد است و محمد بن مروان بصری در قسمت دوم رجال شیخ آمده است. یعنی این دو عنوان از دو منبع گوناگون اخذ شده است و اخذ از دو منبع احتمال خطا و عدم توجه شیخ به وحدت این دو عنوان را تقویت می کند. در حالیکه اگر از یک منبع اخذ شده باشد احتمال خطای صاحب منبع هم مطرح می شود لذا احتمال وحدت تضعیف می شود. اما در عین حال باید در مورد وحدت و تعدد این دو عنوان تأمل کرد.

ارتباط رجال شیخ و رجال ابن عقده

 اما سه محمد بن مروانی که در اصحاب الصادق علیه السلام رجال شیخ پشت سر هم آمده اند. یعنی (محمد بن مروان بن عثمان مدنی، محمد بن مروان بصری، محمد بن مروان ذهلی بصری که اصله کوفی). باید به نکته مهمی در تشخیص این عناوین اشاره کرد و نکته مهم اینکه: مرحوم شیخ در مورد اصحاب الصادق(ع) در مقدمه تصریح می کند[[11]](#footnote-11): که کتاب محوری اش رجال ابن عقده است. ایشان می فرمایند که ابتدا عناوین رجال ابن عقده را ذکر می کنم و بعدا عناوین غیر رجال ابن عقده را ذکر می کنم. (و اینکه تا کجای هر بابی مال ابن عقده است در همان مقاله ارتباط رجال شیخ و برقی به تفصیل تک تک مواردش را ذکر کرده ام که در هر باب از کجا تا کجایش مال ابن عقده است و از آن به بعدش مال غیر ابن عقده است). اما این سه عنوان مورد بحث ما در قسمت هایی که از ابن عقده گرفته شده است وجود دارد. بنابراین ابن عقده هم در اصحاب الصادق اش سه عنوان ذکر کرده است.

در بین این سه عنوان، مرحوم شیخ محمد بن مروان ذهلی بصری را ترجمه کرده، تاریخ وفاتش را سال 161 ذکر کرده است. و این راوی در کتاب های عامه احیانا وارد شده است. در بعض کتب عامه روایتی از محمد بن مروان ذهلی نقل شده است که شاید نشان گر این باشد که شیعه است. روایت این چنین است: محمد بن مروان ذهلی عن ابی حاضر عن ابی حریره عن رسول الله صلی الله علیه و آله قال ان ملکا من السماء لم یکن زارنی فاستأذن الله فی زیارتی فبشرنی انّ فاطمه سیده نساء امتی و ان الحسن و الحسین سیدا شباب اهل الجنه

در مورد این سه نفری که در اصحاب الصادق هستند باید گفت که تعدد محمد بن مروان مدنی با آن دو عنوان دیگر روشن است اما اتحاد و تعدد دو عنوان محمد بن مروان بصری و محمد بن مروان ذهلی بصری روشن نیست.

اما دو عنوان مذکور در فهرست شیخ، یکی محمد بن مروان ذهلی است، که علی القاعده همان شخصی است که در اصحاب الصادق به عنوان بصری ذهلی ترجمه شده است.

ارتباط فهرست شیخ و فهرست حمید

فقط یک نکته در اینجا وجود دارد که ممکن است شخصی تعدد این دو عنوان را توهم کند. و آن نکته اینکه محمد بن مروان ذهلی به گفته مرحوم شیخ در رجال متوفی 161 است. این در حالیستکه راوی کتاب محمد بن مروان ذهلی که در فهرست شیخ ترجمه شده است، ابن سماعه است. و ابن سماعه (حسن بن محمد بن سماعه)، شیخ حمید بن زیاد، است و در سال 263 یعنی 102 سال بعد از آن محمد بن مروان ذهلی بصری از دنیا رفته است. و عادتا این مقدار فاصله بین فوت شاگرد و استاد بسیار بعید است. ولی پاسخ اشکال این است که در فهرست شیخ طوسی، در طرقی که حمید در آن ها واقع هست ارسال و سقط بسیار زیاد واقع است. مثلا حدود سی چهل نفر در فهرست شیخ هستند که در اسنادشان حمید واقع است. و از این تعداد، غیر از اشخاصی که استاد حمید هستند، از تمام افراد دیگری که در طبقات مختلف هستند حمید با یک واسطه نقل کرده است این در حالیستکه در منابع دیگر مثل رجال نجاشی و اسناد، به این صورت (با یک واسطه) وجود ندارد. به همین جهت به نظر می رسد که شیخ طوسی به اصل کتاب حمید دسترسی نداشته است. و چکیده ای از فهرست حمید یا اجازه ای که برگرفته از این فهرست بوده است در اختیار شیخ طوسی بوده است. و قالب این کتاب به این شکل بوده است: که فهرست کتاب های مختلفی را که حمید نقل کرده، به تفکیک اساتیدش در آن کتاب ذکر کرده است. به عنوان مثال حمید از طریق یکی از استادیش ده کتاب را نقل می کند. و از طریق استاد دیگرش پنج کتاب را نقل می کند بدون اینکه به واسطه بین اساتید خود و صاحبان کتب اشاره ای کند. و در بحث ما حمید از طریق ابن سماعه کتاب محمد بن مروان را نقل کرده است اما کلام حمید در این کتابی که در دسترس شیخ بوده است، ناظر به این نیست که ابن سماعه به صورت مستقیم یا غیر مستقیم کتاب را نقل کرده است، بلکه فهرست کتبی که از طریق مشایخش نقل کرده است را آورده. لذا طرق حمید بن زیاد که در فهرست شیخ وجود دارد، دال بر تعیین طبقه راویان نمی تواند باشد. بنابراین، محمد بن مروان ذهلی در فهرست همان شخص مذکور در رجال شیخ است. و همین مشکل در تعیین طبقه در مورد محمد بن مروان دومی که در فهرست شیخ است وجود دارد. مرحوم شیخ بعد از ذکر چند کتاب طریق خود تا این کتاب ها از جمله کتاب محمد بن مروان را ذکر می کند: رویناها کلها بهذا الإسناد عن حمید عن أبی إسحاق إبراهیم بن سلیمان بن حیان الخزاز عنهم. یعنی با یک واسطه از طریق حمید با یک واسطه خاص چند کتاب را نقل می کند. و نحوه ذکر طریق به این چند کتاب می تواند تأیید احتمال مطرح شده در مورد فهرست حمید باشد و لذا این نکته باعث می شود تشخیص این محمد بن مروان با مشکل مواجه شویم، البته ممکن است همین بصری ذهلی باشد. و به خاطر مشکل عدم تشخیص طبقه راوی در مورد اسناد حمید در فهرست شیخ، بحث محمد بن مروان در فهرست شیخ را حذف می کنیم چون معلوم نیست مراد از این دو چه کسانی هستند. البته محمد بن مروان ذهلی همانگونه که گذشت، همان شخصی است که در رجال شیخ آمده است.

و این نکته که در ارتباط بین فهرست شیخ و فهرست حمید بیان شد، یک بحث کلیدی در رجال است. از این جهت که در بحث تعدد و وحدت عناوین و تعیین طبقه راوی، از طرق موجود در فهرست شیخ استفاده شده است. و به خاطر عدم التفات به این نکته مرحوم آقای خوئی در بحث ما به این علت که حسن بن محمد بن سماعه از محمد بن مروان نقل می کند قائل به تعدد او با همان شخص که در اصحاب الباقر(ع) است شده اند.[[12]](#footnote-12)

کلام آقای خوئی در مورد محمد بن مروان

مرحوم آقای خوئی در ذیل عنوان محمد بن مروان البصری فرموده اند[[13]](#footnote-13): که یک محمد بن مروان بصری در اصحاب الباقر(ع) وجود دارد. و در اصحاب الصادق(ع) هم محمد بن مروان البصری ذکر شده است که با حدث عنه اسید بن زید معرفی شده است. و یک محمد بن مروان الکوفی من ولد ابی الاسود هم در مناقب ابن شهر آشوب ذکر شده است. و همچنین مرحوم کشی، عنوانی به نام محمد بن مروان البصری دارند. که در ذیل آن می گوید (حکی العیاشی، عیاشی در نسخه چاپی، شده عباسی که غلط است).

حَکَی الْعیاشیُ عَنْ عَلِیِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ فَضَّالٍ، قَالَ: کَانَ مُحَمَّدُ بْنُ مَرْوَانَ یَسْکُنُ الْبَصْرَةَ وَ کَانَ أَصْلُهُ الْکُوفَةَ، وَ لَیْسَ هُوَ الَّذِی رَوَی تَفْسِیرَ الْکَلْبِیِّ، ذَلِکَ یُسَمَّی مُحَمَّدُ بْنُ مَرْوَانَ السُّدِّیُّ. وَ قَالَ حَمْدَوَیْهِ: حَدَّثَنِی بَعْضُ مَنْ رَأَیْتُهُ قَالَ: مُحَمَّدُ بْنُ مَرْوَانَ مِنْ وُلْدِ أَبِی الْأَسْوَدِ الدُّؤَلِیِّ

آقای خوئی همه این چند نفر را بر محمد بن مروان البصری که حدث عنه اسید بن زید تطبیق کرده اند. و بعد فرموده اند که این محمد بن مروان بصری با محمد بن مروان ذهلی بصری به این علت که شیخ هر دو را مستقلا عنوان کرده است، دو نفر هستند.

در دو مرحله کلام ایشان قابل نقد است: مرحله اول اینکه ایشان محمد بن مروان بصری موجود در اصحاب الباقر رجال شیخ و محمد بن مروان بصری در رجال کشی را، با محمد بن مروان بصری که حدث عنه اسید بن زید یکی دانسته اند، اما دلیلی بر ادعای ایشان وجود ندارد. و اینکه ایشان محمد بن مروان بصری در اصحاب الباقر را بر محمد بن مروان بصری موجود در اصحاب الصادق که حدث عنه اسید بن زید تطبیق داده اند شاهدی ندارد، و امکان دارد این شخص همان محمد بن مروان ذهلی بصری در اصحاب الصادق(ع) باشد.

تکرار عناوین در رجال شیخ

 مرحله دوم: این مطلب است که آیا تکرار عناوین در رجال شیخ دال بر تعدد معنونین هست، یا خیر؟ در توضیح این مطلب به عنوان مقدمه باید گفت که ترتیب الفبائی رجال شیخ کامل نیست و گاهی اوقات به خاطر فاصله ای که بین دو عنوان می افتد شیخ از عنوانی که قبلا ذکر کرده غفلت می کند و دوباره آن را تکرار می کند به عنوان مثال در اول باب میم یک عنوان آورده است و عین همان را در آخر باب میم تکرار کرده است. اما در بحث ما به دو نکته نمی توان غفلت را به شیخ نسبت داد یکی اینکه این دو عنوان پشت سر هم قرار گرفته اند و غفلت در این فرض معنا ندارد و دوم آنکه همانگونه که گذشت این قسمت از رجال

شیخ برگرفته از رجال ابن عقده است و این سه عنوان، یعنی (محمد بن مروان مدنی و بصری و ذهلی بصری) در رجال ابن عقده پشت سر هم بوده اند پس معنایش این است که ابن عقده هم این ها را متعدد می دانسته است. و نظر ابن عقده از این جهت که تخصص اصلیش در رجال و حدیث بوده است از شیخ مهمتر است و مرحوم شیخ طوسی یکی از فنون کاری اش رجال بوده است. و شاید پایین ترین مقام علمی اش رجالش بوده است.

ولی باید گفت که اصل این استدلال ناتمام است. به این علت که حداکثر چیزی که از این استدلال استفاده می شود این است که شیخ طوسی و ابن عقده متوجه وحدت دو عنوان نشده اند. به این صورت که این دو بزرگوار در یک سند به روایت اسید بن زید از محمد بن مروان بصری برخورده اند و برایشان ثابت نشده است که این شخص همان ذهلی بصری است. و از این نکته معلوم می شود اینکه مرحوم آقای خوئی گاهی اوقات تعدد را به صریح کلام شیخ نسبت می دهند صحیح نمی باشد و حتی ظاهر کلام شیخ هم تعدد نیست. پس بنابراین آن محمد بن مروان بصری ای که اسید بن زید از او نقل می کند ممکن است همین ذهلی باشد.

نتیجه بحث در این جلسه

نتیجه بحث تا اینجا اینکه: سه عنوان وجود دارد که باید ببینیم مراد از محمد بن مروان مطلق در روایات کدامیک است: 1- محمد بن مروان کلبی که در اصحاب الباقر است. 2- محمد بن مروان سدی که راوی کتاب تفسیر کلبی است و در کتب عامه ترجمه شده است و اطلاعات خوبی در موردش وجود دارد. 3- محمد بن مروان ذهلی بصری.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آل محمد

1. رجال‏الطوسي ص : 144 عنوان1573 [↑](#footnote-ref-1)
2. رجال‏الطوسي ص : 145 عنوان1587 [↑](#footnote-ref-2)
3. رجال‏الطوسي ص : 295 عنوان4307 [↑](#footnote-ref-3)
4. رجال‏الطوسي ص : 295 عنوان 4308 [↑](#footnote-ref-4)
5. رجال‏الطوسي ص : 295 عنوان 4309 [↑](#footnote-ref-5)
6. فهرست‏الطوسي ص : 402 عنوان 614 [↑](#footnote-ref-6)
7. فهرست‏الطوسي ص : 434 عنوان 688 [↑](#footnote-ref-7)
8. رجال‏الكشي ص : 214 [↑](#footnote-ref-8)
9. مناقب آل أبي طالب عليهم السلام (لابن شهرآشوب)، ج‏4، ص: 211 [↑](#footnote-ref-9)
10. تهذیب الکمال جلد 24 صفحه 387 [↑](#footnote-ref-10)
11. رجال طوسی مقدمه ص 17 [↑](#footnote-ref-11)
12. معجم ‏رجال‏الحديث ج : 17 ص : 220 [↑](#footnote-ref-12)
13. معجم‏ رجال‏الحديث ج : 17 ص : 219 [↑](#footnote-ref-13)